

شخصیت علمی امام حسن مجتبی (علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8?">



ابعاد شخصیت امام مجتبی علیه السلام

دامنه شخصیت بی مانند سبط اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم امام حسن مجتبی علیه السلام آنقدر وسیع و گسترده است که آثار و نشانه های آن در تمام کتاب های حدیث، تراجم، سیره، تاریخ و مناقب فراوان به چشم می خورد.

تواضع، فروتنی، خداترسی، روابط حسنه، احترام متقابل و کمک به بینوایان از ابعاد برجسته زندگی آن سرور جوانان بهشتی است. آن بزرگوار بازویی علمی، قضایی و نیرویی بسیار کارآمد برای حکومت علوی و شخص امیرمؤمنان علیه السلام بوده است.

امام از جمله کسانی بود که از آغاز تا پایان به دفاع از حریم رهبری پرداخته و در جنگ های جمل، صفین و نهروان فعالانه شرکت جسته، بلکه در بسیج نیروها از کوفه برای مقابله با فتنه طلحه و زبیر، گام های بسیار مثبت و مؤثری برداشته است.

زندگی پر رنج و محنت امام، پر از این مسائل است که فقط به یک بُعد آن، که جایگاه علمی امام مجتبی علیه السلام باشد، اشاره می کنیم.

الف) امام در نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

امام حسن مجتبی علیه السلام کودک بود که پیامبر بزرگوار اسلام از او به عظمت و بزرگی یاد می کرد. به یقین این برخوردهای محبت آمیز که هیچ گاه در زمان خاص و یا در محدوده خاصی ابراز نمی شد، نشان دهنده این بود که آن حضرت می خواست نقاب از چهره امام حسن علیه السلام کنار زده و شخصیت والای او را بیش از پیش، به مسلمانان معرفی کند.

هادی امت

حذیفه گوید: روزی صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در نزدیکی کوه حرا - یا غیر آن - گرد پیامبر جمع شده بودند که حسن در خردسالی با وقار خاصی به جمع آنان پیوست. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با نگاه طولانی که بر او داشت، همه را مخاطب قرار داده و فرمود:

«آگاه باشید که همانا او - حسن - بعد از من راهنما و هدایتگر شما خواهد بود. او تحفه ای است از خداوند جهان برای من؛ از من خبر خواهد داد و مردم را با آثار باقی مانده از من آشنا خواهد کرد. سنت مرا زنده خواهد کرد. و افعال و کردارش نشانگر کارهای من است. خداوند عنایت و رحمتش را بر او فرو فرستد. رحمت و رضوان خداوند بر کسی باد که حق او را بشناسد و به خاطر من به او احترام نموده و نیکی کند.» (1)

مصلح بزرگ

مورخان نوشته اند که: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ضمن اظهار محبت به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

«انّ هذا ریحانتی و انّ ابنی هذا سید، سیصلح الله به بین فئتين من المسلمین؛ (2) همانا حسن ریحانه من است. و این فرزندم سید و بزرگ است و به زودی خداوند به دست او بین دو گروه مسلمان، صلح برقرار خواهد کرد.»

ناگفته نماند که این سخن، یک پیشگویی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود که در آینده بین دو گروه از مسلمانان جنگ و خونریزی خواهد شد و امام حسن علیه السلام بین آن دو، صلح و دوستی برقرار خواهد کرد. طبق نقل تاریخ، امام حسن مجتبی علیه السلام با مشاهده خیانت یاران و فراهم نبودن زمینه جنگ با معاویه، خیر و صلاح امت را در این دیدند که از درگیر شدن با معاویه خودداری کرده و با صلح پیشنهادی معاویه، موافقت کنند. و در اثر این صلح، هم مسلمانان را از شرّ هجوم خارجیان نجات دادند و هم از جنگ و خونریزی جلوگیری کردند. (3)

گواه رسالت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم

و در ادامه ماجرای که حذیفه به نقل آن پرداخته بود، آمده است که: ناگاه مرد عربی چماق به دست وارد شد و فریاد برآورد: «کدام یک از شما محمد هستید؟» یاران رسول خدا، با ناراحتی جلو رفته و گفتند: «چه می خواهی؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آرام بگیرید.» مرد عرب خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت: «تو را دشمن داشتم، و اکنون دشمنی من نسبت به تو بیشتر شد. تو ادّعی رسالت و پیامبری کرده ای، دلیل و برهان چیست؟» حضرت فرمود: «چنانچه مایل باشی، عضوی از اعضای من به تو خبر دهد که برهان و دلیل روشن تر خواهد بود.» مرد عرب گفت: «مگر عضو انسان هم سخن می گوید؟!» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آری. حسن جان! برخیز.» مرد عرب که گمان می کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم او را مسخره می کند، گفت: «خود از عهده پاسخگویی بر نمی آیی، خردسالی را از جای بلند می کنی تا با من صحبت کند؟!»

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «به زودی او را آگاه به خواسته های خویش خواهی یافت.» طبق پیش بینی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم امام حسن علیه السلام از جای برخاسته و از وضعیت آن مرد عرب و چگونگی گرفتاری وی در بین راه سخن گفت؛ به گونه ای که باعث تعجب و حیرت او شده و گفت: «ای پسر! تو این مطالب را از کجا می دانی؟! تو اسرار دل مرا برملا ساختی؟ گویی همراه من بوده ای! مگر تو غیب می دانی؟» آن گاه مسلمان شد. (4)

راستی که امام حسن علیه السلام با این بیانات، برهان و دلیل نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بوده است؛ چرا که این عضو کوچک پیامبر آنقدر از خود دانش نشان داد که دشمن را وادار به تسلیم و اسلام نمود.

ب) امام در نگاه امیرمؤمنان علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام در نگاه علی علیه السلام شخصیتی بسیار بزرگ و ممتاز بود. و از همان دوران کودکی که آیات الهی را برای مادرش فاطمه زهرا علیها السلام می خواند، به این گوهر گرانبها را شناخت و در طول سالیانی که در کنار یکدیگر بودند، همواره از فرزند خود تعریف، تمجید و تقدیر می کرد. حتی در برخی از موارد، قضاوت و یا پاسخ به سؤالات علمی را به عهده اش می گذاشت. نمونه های زیر، بیانگر شخصیت علمی و جایگاه والای آن حضرت در نزد پدر بزرگوارش می باشد.

سخنرانی در محضر پدر

روزی امام علیه السلام به فرزند خود فرمود: «برخیز و سخن گوی تا گفتارت را بشنوم». امام حسن علیه السلام عرض کرد: «پدرجان! چگونه سخنرانی کنم با اینکه رو به روی تو قرار گرفته ام؟!» امام خود را پنهان نمود؛ به طوری که صدای حسن را می شنید. امام حسن علیه السلام برخاست و خطابه خود را شروع کرد و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود:

«علی، دری است که اگر کسی وارد آن در شود، مؤمن است و کسی که از آن خارج گردد، کافر است.» در این هنگام امام علی علیه السلام برخاست و بین دو چشم حسن را بوسید و سپس فرمود: «ذریة بعضها من بعض و الله سمیع علیم»؛ آنها فرزندان و دودمانی هستند که بعضی از بعضی دیگر گرفته شده اند و خداوند، شنوا و داناست.» (5)

پاسخ به سؤالات مرد شامی

روز دیگری یک فرد شامی، که خود را از پیروان امیرمؤمنان معرفی می کرد، حضرت ضمن معرفی وی که: تو از پیروان ما نیستی بلکه برای پادشاه کشور روم سؤال هایی پیش آمده و پیکش را نزد معاویه فرستاده، او که در جواب عاجز مانده، تو را به نزد ما فرستاده است. برای پاسخ به سؤالاتش امام حسن و امام حسین علیهما السلام را معرفی کرد. او امام حسن را برای پاسخ به سؤالات خود انتخاب کرد. مرد شامی پیش از آنکه سؤالات خود را مطرح کند، امام حسن علیه السلام لب به سخن گشوده، فرمود:

«آمده ای که چنین سؤال هایی را مطرح کنی: فاصله بین حق و باطل چه قدر است؟ بین آسمان و زمین چه قدر فاصله است؟ قوس و قزح چیست؟ کدام چشمه و چاه است که ارواح مشرکان در آن جمع هستند؟ ارواح مؤمنان در کجا جمع می شوند؟ خنثی کیست؟ کدام ده چیز است که هریک سخت تر از دیگری است؟»

عرض کرد: یابن رسول الله! درست است، پرسش های من همین هاست که فرمودید. سپس امام در حضور پدر به تمام آن پرسشها پاسخ گفت. وقتی آن مرد شامی این پاسخ ها را شنید، گفت:

گواهی می دهم که تو فرزند رسول خدایی و همانا علی بن ابی طالب سزاوارتر است برای خلافت و جانشینی رسول خدا از معاویه... (6)

در مسند قضاوت

از دیگر دلایل شخصیت علمی و جایگاه والایش این است که امیرمؤمنان علیه السلام از او می خواهد تا در

جریانی بسیار مشکل، داوری کند. او نیز درباره فردی که چاقو در دست داشت و در خرابه ای کنار کُشته ای دستگیرش کرده بودند و همچنین درباره فرد دیگری که خود اقرار کرده بود که مقتول در خرابه را، او کشته است؛ چنین قضاوت کرد:

«قاتل واقعی با اقرار و صداقتش جان مَثَم را نجات داد و با این کار، گویی بشریت را نجات داده است و خداوند فرموده: «و من أحيّاها فکانّما احیا النّاس جميعاً»؛ هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. بنابراین، آن دو را آزاد کنید و دیه مقتول را از بیت المال پرداخت نمایید.» (7)

ج) در نگاه امام حسین علیه السلام

با توجه به سال شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام به یقین هیچ معصومی به اندازه امام حسین علیه السلام در کنار برادر خود نبوده است. این دو امام معصوم نزدیک به پنجاه سال در کنار یکدیگر زندگی می کردند. بدین جهت امام حسین علیه السلام بیشتر از هر مسلمان دیگری به شخصیت علمی برادرش پی برده بود. و به ویژه در آن ده سال آخر که امامت و رهبری را عهده دار بود، با نگرش دیگری به امام حسن علیه السلام می نگریست.

امام حسین علیه السلام ضمن اینکه برادر خود را شخصیتی بی مانند می دانست، او را عالم ترین فرد به تفسیر و تأویل و آشنا به تمام علوم و مسائل حکومت و جهان اسلام می دانست. چنانچه این نظر را می توان از برخورد امام حسین علیه السلام با عایشه در تشییع جنازه برادرش به دست آورد.

در تاریخ آمده است: هنگامی که امام حسین علیه السلام خواست برادر خود را، بنا به توصیه اش پیش از دفن برای تجدید عهد نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ببرد، عایشه به تحریک بنی امیه از ورود جنازه امام حسن علیه السلام به داخل حجره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جلوگیری کرد. امام در برابر این اهانت به فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به عایشه فرمود:

«این تو و پدرت بودید که حُرمت و حجاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را دریدید و کسی را داخل حجره اش کردید که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جوارش را دوست نمی داشت و اینکه خداوند در فردای قیامت از تو بازخواست خواهد کرد. بدان ای عایشه! که برادرم داناترین فرد به خدا و رسول او است. و داناتر است به کتاب خدا از اینکه بخواهد نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پرده دری کند. . .» (8)

امام حسن و نقل حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

از جمله افرادی که نامش جزو راویان و محدّثان از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در تاریخ ثبت گردیده،

امام حسن مجتبی علیه السلام است. امام که در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هنوز ده سال نداشت، با دریافت گفته های پیامبر که گاهی آیات وحی بود و گاهی روایات، آنها را از سینه پیامبر به سینه خودش منتقل کرده و سپس به دیگران انتقال می داد.

امام حسن علیه السلام با شنیدن آیات وحی که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرود می آمد، بی درنگ به منزل آمده و آنها را برای مادرش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرائت می کرد. که این مسأله باعث تعجب امیرمؤمنان علیه السلام شده بود.

آورده اند که: امام مجتبی علیه السلام هفت ساله بود که به همراه پیامبر در مسجد حضور می یافت و آنگاه که آیات جدید بر او نازل می شد، همان ها را از زبان جدش می شنید و آن گاه که به خانه باز می گشت، برای مادرش فاطمه تلاوت می کرد؛ به گونه ای که هرگاه امیرمؤمنان وارد خانه می شد، ملاحظه می کرد آیات جدیدی که بر پیامبر نازل گردیده نزد فاطمه است. از آن حضرت جویا می شد؛ فاطمه می فرمود: از فرزندت حسن. بدین جهت، روزی علی بن ابی طالب علیه السلام زودتر به خانه آمد و از دید فرزندش پنهان گشت تا آیات جدید را که بر پیامبر نازل شده بار دیگر از فرزندش بشنود.

امام حسن علیه السلام وارد خانه شد؛ همین که خواست آیات قرآن را برای مادرش بخواند، زبانش به لکنت افتاد و از خواندن سریع باز ماند. مادرش شگفت زده شد. امام حسن علیه السلام گفت: مادرم! تعجب نکن؛ گویا شخصیت بزرگی در خانه است که با شنیدن سخنانم، مرا از سخن گفتن باز می دارد! در این هنگام، امیرمؤمنان علیه السلام از محلّ اختفا بیرون آمده و فرزندش حسن را به آغوش گرفته و بوسید.

(9)

گلایه ای از احمد بن حنبل

احمد بن حنبل در مسند خود، ضمن اختصاص فصلی به روایات امام حسن مجتبی علیه السلام از طریق شش نفر به نام های ابوالحوراء سعدی، هبیره، عمر بن حبشی، محمد بن علی، ربیعة بن شیبان و محمد، دوازده روایت از امام حسن علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده است. (10)

در حالی که در همین مسند، از عبدالله بن عباس صد و شصت صفحه (11) روایت نقل کرده است که بدون شک، مجموع آن روایات کمتر از هزار روایت نخواهد بود.

حال سؤال ما این است: با اینکه ابن عباس در مکه یا مدینه به دنیا آمده (12) و با امام حسن علیه السلام بیش از دو یا سه سال تفاوت سنی ندارد، چه شده که از امام حسن علیه السلام دوازده روایت نقل می کند ولی از ابن عباس صد و شصت صفحه روایت؟ در حالی که اگر بخواهیم حضور هریک را به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حساب کنیم، به یقین با شرایطی که امام حسن علیه السلام داشت، از جمله نوه بودن، حضور وی به مراتب بیشتر از حضور ابن عباس بوده است!

افزون بر این، با در نظر گرفتن اظهار نظر برخی که ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چهار یا نه و یا ده حدیث (13) بیشتر نشنیده است؛ شگفت آور است که چرا احمد بن حنبل، این همه روایت را به او نسبت داده

تدریس معارف الهی

یکی از بهترین شواهد و دلایل شخصیت والای امام حسن مجتبی علیه السلام این است که وی از همان آغاز جوانی، بلکه کودکی، آنچه را که از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم گرفته بود، سخاوتمندانه در اختیار دیگران قرار می داد. ابن الصباغ مالکی درباره این کلاس پرخیر و برکت می نویسد:

«حکى عنه عليه السلام انه كان يجلس فى مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و يجتمع الناس حوله فيتكلم بما يشفى غليل السائلين و يقطع حجج المجادلين. . . ؛ درباره حسن بن علی - که درود بر او باد - نقل شده است که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می نشست و تشنگان معارف اسلامی گرداگردش می نشستند. او به گونه ای سخن می گفت که تشنگان علم و معرفت را سیراب نموده و ادله و براهین دشمنان را باطل می کرد. . .» (14)

ابن الصباغ سپس به نقل جریان زیر پرداخته تا شخصیت علمی امام حسن مجتبی علیه السلام و جایگاه والای او را در امت اسلامی بیان کرده باشد:

علی بن احمد واحدی در تفسیر خود آورده است که مردی وارد مسجد رسول الله شده، ملاحظه کرد که شخصی مشغول نقل حدیث از پیامبر است. مردم اطراف او را گرفته، به سخنانش گوش می دادند. پس آن شخص به نزد وی آمده، گفت: مراد از شاهد و مشهود - که در آیه شریفه آمده است - چیست؟ پاسخ داد: اما شاهد که روز جمعه است و اما مراد از مشهود، روز عرفه می باشد. پس از او گذشته به دیگری برخورد کرد که همانند اولی به نقل حدیث پرداخته بود، سؤال خود را تکرار کرده از او پرسید که: مراد از شاهد و مشهود چیست؟ وی پاسخ داد: اما شاهد که روز جمعه است و اما مشهود، روز عید قربان است. آنگاه از کنار آن دو نفر گذشته، گذرش به نوجوانی افتاد که چهره اش همانند طلا می درخشید که او هم در مسجد، کلاس درس تشکیل داده بود. پس از او درباره شاهد و مشهود پرسید. وی در پاسخ گفت:

آری. اما شاهد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم است و اما مشهود، روز قیامت می باشد. آنگاه برای گفته خود، این چنین استدلال کرد:

آیا سخن پروردگار را نشنیده ای که می فرماید: «يا ايها النبي انا ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً» (15)؛ ای پیامبر! ما تو را به عنوان شاهد و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم. «ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود» (16)؛ روز قیامت روزی است که همه مردم برای آن جمع می شوند و آن روز، روزی است که مشهود همگان است.

گوید: سپس از نام شخص اول پرسید، گفتند: ابن عباس است و از دومی که پرسید، گفتند: ابن عمر است و از شخص سوم که پرسید، گفتند: وی، حسن بن علی بن ابی طالب است. (17)

جالب اینجاست که بر طبق نقل علامه مجلسی در بحارالانوار: «این شخص تفسیر امام را از شاهد و مشهود، بر دیگر تفسیرها که از عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر شنیده بود، ترجیح داده و آن را پسندیده بود» (18)؛

شاید دلیل این پذیرش، استدلال قوی امام حسن به دو آیه شریفه بوده است.

امام حسن علیه السلام و تربیت شاگردان

امام حسن مجتبی علیه السلام از دوران کودکی سفره علمی خود را پهن کرده و با نقل آیات شریفه و سپس نقل حدیث از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله وسلم خدمت بزرگی به تشنگان علم و معرفت نمود؛ به ویژه در این ده سال آخر که حوادث دردناکی به مسلمانان، خاصه پیروان اهل بیت روی آورده بود. امام با حلم، بردباری، صبر و حوصله ای که از خود نشان می دادند، خویشتن را برای هر نوع پاسخ گویی آماده ساخته بودند.

از این روی، می بینیم که افراد و گروه ها و شخصیت های زیادی در محضر درس امام علیه السلام می نشستند که یقیناً تاریخ، نام بسیاری از آنها را ثبت نکرده است. از جمله بسیاری از صحابه رسول خدا و تابعین هستند که از محضر پرفیض امام حسن علیه السلام استفاده کرده اند.

در اینجا برخی از بزرگان شیعه همانند شیخ طوسی در رجال خود، نام برخی از این شخصیت ها را به عنوان اصحاب امام آورده است که تعداد آنها از چهل و یک نفر نمی گذرد.

اگرچه جای این سؤال هست که: چگونه یاران امام حسن علیه السلام از چهل و یک نفر تجاوز نمی کنند در حالی که امام نزدیک پنجاه سال در بین امت اسلامی زندگی می کردند؟ و چرا یک مرتبه از تعداد 450 یار که برای امیرمؤمنان علیه السلام ثبت شده به چهل و یک نفر می رسد؟ و چرا این عدد نسبت به امام حسین علیه السلام هم به دو برابر، بلکه بیشتر می رسد و چرا با مقایسه با یاران امام زین العابدین علیه السلام یاران او یک چهارم می باشد؟! علت چیست و چرا چنین شده است؟

احتمال دارد شیخ طوسی فقط نام راویان از اصحاب امام حسن علیه السلام را آورده باشد؛ به دلیل اینکه در بخش آخر کتاب خود به نام عده ای اشاره کرده است که از معصومین علیهم السلام روایت نکرده اند. و احتمال دارد امام در زمانی می زیسته که بیشتر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بودند، و آنها به هر دلیلی از حضور در پای درس امام حسن علیه السلام و یا نقل روایت از او، خودداری می کردند. و نیز محتمل است که تبلیغات سوء معاویه بن ابی سفیان تأثیر خود را گذارده باشد.

یاران امام حسن مجتبی علیه السلام

حال، این ما هستیم و تعداد بسیار کم از یاران امام حسن مجتبی علیه السلام که بخش دیگری از این نوشتار را به یادآوری نام آنها اختصاص می دهیم:

1. احنف بن قیس؛ 2. اصبع بن نباته؛ 3. اشعث بن سوار؛ 4. جابر بن عبدالله انصاری؛ 5. جعید همدانی؛ 6. جارد بن منذر؛ 7. جارد بن اُبی بشر؛ 8. حبیب بن مظاهر؛ 9. حذیفه بن اسید غفاری؛ 10. حارث اعور؛ 11. حجر بن عدی؛ 12. حَبّة بن جویر عرنی؛ 13. حبابه والبيه؛ 14. رشید هجری؛ 15. رفاعه بن شداد؛ 16. زید بن ارقم؛ 17. سلیم بن قیس؛ 18. سفیان بن ابی لیلی همدانی؛ 19. سلیمان بن صرد خزاعی؛ 20. سوید بن غفله؛ 21. ظالم بن عمرو؛ 22. عبایه بن عمرو ربیع؛ 23. عمرو بن حمق خزاعی؛ 24. عامر بن واثله؛ 25. عبدالله بن جعفر بن اُبی طالب؛ 26. عبیدالله بن عباس؛ 27. عمرو بن قیس مشرقی؛ 28. قیس بن سعد بن عباده؛ 29. کمیل بن زیاد؛ 30. کیسان بن کلیب؛ 31. لوط بن یحیی؛ 32. مسلم البطین؛ 33. مسعود مولی اُبی وائل؛ 34. میثم تمار؛ 35. مسیب بن نجبه؛ 36. مسلم بن عقیل؛ 37. هلال بن نساف؛ 38. ابواسحاق همدانی؛ 39. ابواسحاق سبیعی؛ 40. ابن کلیب؛ 41. فاطمه والبيه. (19)

نکته جالب توجه اینکه یاران امام از نظر عدد، بسیار کم هستند اما بسیاری از آنها از شخصیت های برجسته عالم اسلام می باشند.

برخی از آنها پیامبر و پنج امام را درک کرده اند؛ همانند جابر بن عبدالله انصاری و برخی دیگر علاوه بر اینکه از یاران امام حسن علیه السلام هستند، جزو یاران امیرمؤمنان بوده اند؛ همانند احنف، اصبع، جابر بن عبدالله، جعید، حبیب، حَبّه، رشید، رفاعه، زید، سلیم، سلیمان، سوید، ظالم، عمرو بن حمق، عامر، کمیل، لوط، میثم، مسیب و ابواسحاق.

و برخی دیگر جزو یاران امام حسین علیه السلام نیز هستند؛ همانند جابر، جعید، حبیب، رشید، زید، سلیم، ظالم، عمرو، کیسان، لوط، میثم و فاطمه. دسته دیگر از آنها جزو یاران امام سجاد علیه السلام نیز هستند؛ همانند جابر، رشید، سلیم و ظالم.

و گروهی نیز جزو یاران امام باقر علیه السلام شمرده شده اند؛ همانند جابر بن عبدالله انصاری که در سال 78 ق. به دیدار خدا شتافت. (20)

نکته دوم اینکه عده ای از یاران امام حسن علیه السلام همانند حبیب بن مظاهر اسدی، جزو شهدای کربلا هستند. و برخی همانند کمیل بن زیاد، عمرو بن حمق خزاعی، رشید هجری و حجر بن عدی در راه ولایت و دفاع از اهل بیت علیهم السلام به شهادت رسیده اند.

پی نوشت ها :

1. بحارالانوار، ج 43، ص 333.

2. الاصابة فی تمییز الصحابه، ج 2، ص 12؛ ذخائر العقبی، ص 125.

3. ر. ک: صلح الحسن.

4. بحارالانوار، ج 43، ص 333.

5. همان، ص 351؛ اثبات الوصیه، ص 159.

6. احتجاج، طبرسی، ج 1، ص 339. (با تلخیص).

7. کافی، ج 7، ص 289.

8. همان، ج 1، ص 302.

9. بحارالانوار، ج 43، ص 338.
10. مسند احمد، ج 1، ص 199.
11. همان، ص 214 ـ 374.
12. در بین مورّخان اختلاف است که ابن عباس به هنگام رحلت پیامبر (ص) چند ساله بوده است؟ عده ای او را ده ساله، برخی سیزده ساله و گروهی پانزده ساله دانسته اند. (تهذیب التهذیب، ج 5، ص 244.)
13. همان.
14. الفصول المهمه، ص 137.
15. احزاب / 45.
16. هود / 103.
17. الفصول المهمه، ص 137.
18. بحارالانوار، ج 43، ص 345.
19. رجال شیخ طوسی، ص 66.
20. بهجة الآمال، ج 2، ص 480.